

نگاه بیرونی به سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران

محمد مهدی احمدی معین^۱

چکیده: از آنجا که نوع نگاه دیگر بازیگران به هر بازیگر، سیاست‌ها و رفتارهای آن‌ها نسبت به آن بازیگر را شکل می‌دهد، در عرصه روابط بین‌الملل هر بازیگر برای طرح‌ریزی موفق سیاست خارجی خود باید از نوع نگاه دیگر بازیگران نسبت به خود آگاه بوده و بر اساس تصویری که در منظر دیگر بازیگران ایجاد شده است رفتارهای کنشی و واکنشی آن‌ها را در برابر سیاست‌های خود پیش‌بینی کرده و بر این اساس دائماً سیاست خارجی خود را بهینه‌سازی و بروزرسانی کند. این پژوهش با دسته‌بندی گروه‌های اصلی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران در عرصه نظام بین‌الملل در سه گروه اصلی غرب، شرق و اعراب، با استناد به منابع رسمی و معتبر نوع نگاه این گروه‌ها نسبت به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را ارزیابی می‌نماید. اگرچه دیدگاه‌های مختلفی در میان این گروه‌ها نسبت به جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و نظام بین‌الملل نیز تنها متشکل از این گروه‌ها نیست، اما بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت نگاه غالب این گروه‌ها در نظام بین‌الملل نسبت به جمهوری اسلامی ایران نگاهی تهدیدمحور و رفتار آن‌ها تقابلی و خصمانه است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، غرب، شرق، اعراب، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده، تهدید.

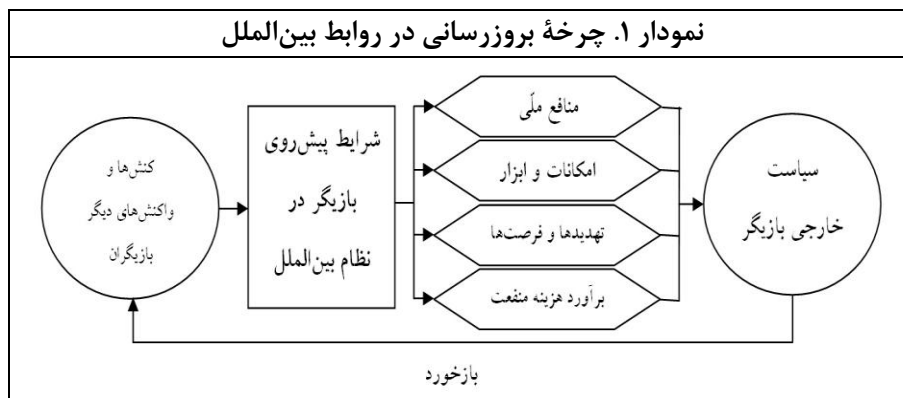
۱. آقای محمد مهدی احمدی معین، دانشجوی دکترای رشته علوم سیاسی (گرایش مسائل ایران)، دانشکده حقوق

Ahmadimoein@ut.ac.ir

و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

مقدمه

سرعت روزافزون تحولات در نظام بین‌الملل موجب می‌شود هر کشور به عنوان یکی از بازیگران در این نظام ناچار باشد روابط خود را با دیگر اجزای نظام یعنی با دیگر بازیگران به طور خاص و با کل آن به طور عام همواره به روزرسانی کند؛ هر بازیگر در فرایندی که آن را چرخه بروزرسانی در روابط بین‌الملل می‌نامم باید بر اساس شرایط محیط پیرامون خود و فضای کلی حاکم بر نظام بین‌الملل برای بروزرسانی موفق خود نسبت به فعالیت‌های کنشی و واکنشی دست زند که می‌توان این فرایند تکرارشونده را به شرح ذیل خلاصه کرد: شناخت موقعیت و شرایط پیش روی خود در نظام بین‌الملل، ارائه تعریف روشن و عینی از منافع ملی به عنوان مبنای کنش در عرصه روابط بین‌الملل، شناخت امکانات و ابزار مادی در اختیار، شناخت تهدیدها و فرصت‌های پیش رو، برآورد هزینه-منفعت هر اقدام مورد نظر، تعریف یک سیاست خارجی جامع به‌عنوان ابزار رسیدن به هدف یعنی تأمین منافع ملی و بالاخره بررسی بازخوردهای ناشی از کاربست این سیاست خارجی و تطبیق دوباره خود با شرایط ناشی از این بازخوردها. شمایی کلی از این فرایند در نمودار ذیل ارائه شده است.



چه در مرحله شناخت جایگاه و وضعیت خود در نظام بین‌الملل و چه به هنگام بررسی بازخوردهای ناشی از کاربست سیاست خارجی، ضروری است هر بازیگر از ارزیابی و نگاه دیگر بازیگران نسبت به خود مطلع باشد. به دیگر سخن، تصویری که از هر بازیگر و سیاست خارجی‌اش در نگاه دیگر بازیگران ساخته می‌شود از اهمیت زیادی برخوردار است، چرا که این تصویر و نوع نگاه دیگر بازیگران تعیین‌کننده سیاست‌های کنشی و واکنشی آن‌ها نسبت به بازیگر است. از این رو، هر بازیگر به‌منظور برقراری

چرخه بروزرسانی موفق برای خود در نظام بین‌الملل، باید علاوه بر بهره‌مندی از امکانات و ابزار سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مناسب، خود را جای دیگر بازیگران قرار داده و نگاه آنان به خود را درک نماید. به‌طور خلاصه تصاویر ذهنیت‌ها را ساخته و ذهنیت‌ها سازنده کنش‌ها می‌باشند. ضرورت آگاهی از تصویر خود در نگاه دیگر بازیگران از آنجا ناشی می‌شود که هر بازیگر با بهره‌مندی از این آگاهی می‌تواند کنش‌ها و واکنش‌های دیگر بازیگران را نسبت به خود در هر لحظه پیش‌بینی کرده و در صورت لزوم با اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر جدید خود را برای مواجهه یا بهره‌مندی از آن‌ها آماده سازد.

جمهوری اسلامی ایران همانند دیگر بازیگران عرصه روابط بین‌الملل با مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های دیگر بازیگران روبروست که زائیده نوع نگاه آن‌ها به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده و شرایط پیش روی کشور را در نظام بین‌الملل رقم می‌زنند. در این پژوهش برآنیم تا به بررسی دیدگاه‌های سه گروه از کشورها نسبت به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بپردازیم؛ این سه گروه را می‌توان گروه‌های عمده پیرامونی ایران در عرصه نظام بین‌الملل دانست که کنش‌های آنان نسبت به سیاست‌های اتخاذ شده توسط جمهوری اسلامی ایران متأثر از نوع نگاه ایشان نسبت به این سیاست‌هاست. این سه گروه عمده عبارتند از: گروه غرب شامل ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا؛ گروه شرق شامل روسیه و چین و گروه کشورهای عربی.

۱. نگاه غرب به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در میان پژوهش‌گران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و نیز تصمیم‌گیران سیاسی غربی نگاه‌های مختلفی نسبت به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که این نوع نگاه‌ها گاه تحت تأثیر واقعیت‌های عینی قابل مشاهده و گاه تحت تأثیر منافع آن‌ها شکل گرفته است. در این بخش از تحقیق به بررسی این نگاه‌های مختلف پرداخته و بر پایه اسناد و مدارک موجود هر یک از آن‌ها را تحلیل می‌کنیم. منظور از غرب در این پژوهش ایالات متحده آمریکا و کشورهای اصلی اتحادیه اروپا است که تصمیم‌ها و رفتارهایشان نظام بین‌الملل را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

باید توجه داشت در مقاطع مختلف زمانی در غرب نگاه‌های متفاوتی نسبت به جمهوری اسلامی وجود داشته که برخی از این نگاه‌ها در گذر زمان نیز امتداد یافته و برخی مختص به دوره تاریخی خاص خود بوده‌اند. در این اثر سعی شده است مهم‌ترین دیدگاه‌ها که مبنای تصمیم‌گیری غرب در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران بوده و هستند مورد بررسی قرار گیرند.

۱-۱. نگاه اول: ایران به عنوان یک تهدید استراتژیک

انقلاب اسلامی ایران با رویکردهای اعلامی مانند ظلم‌ستیزی و عدالت‌طلبی، حمایت از مظلوم، مبارزه با استکبار جهانی، استقلال‌طلبی و نفی هرگونه سلطه به پیروزی رسید و نظامی دست‌نشانده را که تابع سیاست‌ها و منافع غرب در منطقه بود برانداخت. در نخستین روزهای بعد از پیروزی انقلاب، آمریکا می‌پنداشت با نظام جدیدی که می‌رفت جایگزین متحد قبلی‌اش شود مشکل زیادی نخواهد داشت اما پناه دادن به شاه فراری ایران موجب آغاز زنجیره‌ای از اتفاقات شد که دامنه آن تاکنون که بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب می‌گذرد همچنان بر روابط دو کشور سایه انداخته و منافع استراتژیک آمریکا را در منطقه خلیج فارس، خاورمیانه و جهان اسلام تحت‌الشعاع خود قرار داده است چرا که ایالات متحده نه تنها بزرگ‌ترین و مهم‌ترین متحد منطقه‌ای خود را از دست داده بلکه این متحد بزرگ به چالشی درجه یک تبدیل شده است (International Crisis Group, 2009: 2). از این رو در نگاه بسیاری از متفکران و سیاستمداران آمریکایی و غربی ایران بیش و پیش از هر چیز دیگر، تهدیدی استراتژیک تلقی می‌شود. می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران دو دسته تهدید استراتژیک علیه ایالات متحده و غرب ایجاد کرده است که از آن تحت عنوان تهدید مستقیم و تهدید غیرمستقیم یاد می‌شود. منظور از تهدید مستقیم تهدیدهایی است که جمهوری اسلامی رأساً عامل آن به‌شمار می‌رود مانند امکان بروز درگیری مستقیم میان طرفین در منطقه خلیج فارس و تهدید غیرمستقیم به معنی تهدیدهایی است که از اشاعه فرهنگ انقلاب اسلامی، صدور گفتمان انقلاب به دیگر کشورها و حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش ناشی می‌شود.

مقامات غربی و خصوصاً آمریکایی در موارد بسیاری از ایران صراحتاً به عنوان یک تهدید استراتژیک یاد کرده‌اند، به‌طور نمونه می‌توان گزارش کمیته دائمی منتخب در مسائل اطلاعاتی^۱ در مجلس نمایندگان ایالات متحده^۲ را نام برد که در سال ۲۰۰۶ تحت عنوان "ایران تهدیدی استراتژیک: چالشی اطلاعاتی برای ایالات متحده"^۳ منتشر شد و همان‌طور که در مقدمه آن آمده است در این گزارش سرگشاده انواع تهدیدهایی که ایران علیه منافع ایالات متحده ایجاد کرده مورد بررسی قرار گرفته و به‌طور تلویحی به وجود شکاف و نقص اطلاعاتی در خصوص ایران اذعان شده است. البته گزارش مذکور

1. Permanent Select Committee on Intelligence

2. U.S. House of Representatives

3. Recognizing Iran as a Strategic Threat: An Intelligence Challenge for the United States

دارای پیوستی محرمانه می‌باشد که شکاف‌های اطلاعاتی مذکور در آن تشریح شده است (House Permanent Select Committee on Intelligence, 2006: 1).

در این گزارش از توانمندی هسته‌ای، برنامه‌های تسلیحاتی ایران، ذخایر موشک‌های بالستیک، توانمندی ایران برای توسعه برنامه موشکی خود، حمایت ایران از گروه‌های مبارز فلسطینی و لبنانی و سیاست‌های ایران در عراق به‌عنوان تهدیدهای ایجاد شده علیه منافع ایالات متحده و متحدانش یاد می‌شود. همچنین در بخش دیگری از این گزارش، ایران دارای سلاح هسته‌ای به‌عنوان تهدیدی استراتژیک علیه ایالات متحده و متحدانش دانسته شده است، زیرا در صورت دستیابی ایران به تسلیحات هسته‌ای اولاً این توانمندی هسته‌ای موجب می‌شود رهبران ایران اهداف خود (که برخلاف منافع و امنیت دوستان و متحدان منطقه‌ای ایالات متحده می‌باشد) را راحت‌تر پیش برند، ثانیاً در این صورت احتمال استفاده ایران از قوای نظامی علیه نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه و متحدان منطقه‌ای آمریکا بیشتر می‌باشد و ثالثاً ایران هسته‌ای تنش‌های منطقه‌ای را تشدید خواهد نمود و می‌تواند به وقوع درگیری با اسرائیل منجر شود (House Permanent Select Committee on Intelligence, 2006: 4-6).

در گزارش دیگری که توسط جان نگرپونته^۱ مدیر اطلاعات ملی آمریکا^۲ تحت عنوان "برآورد سالانه تهدید"^۳ در سال ۲۰۰۷ منتشر شد از ایران و کره شمالی به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدیدهای پیش روی ایالات متحده یاد شده است. نگرپونته در بخشی از گزارش خود می‌گوید: "برآورد ما این است که تهران (به‌رغم تعهدات بین‌المللی خود و فشارهای بین‌المللی) مصمم به ساخت سلاح هسته‌ای است. این اقدام باعث ایجاد نگرانی شدید در کشورهای منطقه است که امنیت‌شان با تسلیحات هسته‌ای ایران تهدید می‌گردد. ساخت سلاح هسته‌ای توسط ایران موجب انجام اقدامات متقابل خطرناک و بی‌ثبات‌کننده در منطقه‌ای بسیار حساس خواهد شد که به‌خاطر ذخایر عظیم انرژی خود برای اقتصاد جهانی نقشی حیاتی ایفا می‌کند" (Negroponte, 2007: 5).

ارزیابی غرب و به‌ویژه ایالات متحده از ایران به‌عنوان یک تهدید استراتژیک، موجب صورت پذیرفتن سلسله اقداماتی از جانب آن‌ها علیه ایران شده است که وضع تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه مهم‌ترین اقدامات رسمی آن‌ها محسوب می‌شود. علاوه

1. John D. Negroponte
2. Director of National Intelligence
3. Annual Threat Assessment

بر قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل که در خصوص مسئله هسته‌ای ایران صادر شده و تحریم‌های گسترده‌ای را علیه ایران وضع کرده‌اند تصویب برخی قوانین مشخص در ایالات متحده نشان از وجود این پندار قوی از تهدید ایران دارد؛ از آخرین نمونه‌های این تحریم‌ها می‌توان به *قانون جامع تحریم‌های ایران*^۱ که در سال ۲۰۱۰ تصویب شده است و *قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه*^۲ مصوب سال ۲۰۱۲ اشاره کرد.

۲-۱. نگاه دوم: عملکرد طبیعی ایران

برخی پژوهش‌گران غربی بر این باورند که رفتارهای ایران عملکرد طبیعی بوده و نباید با بدبینی بیش از حد به آن‌ها نگرسته شود. این دسته معتقدند ایران با توجه به موقعیت خاص ژئوپلتیک خود و وجود ذخایر طبیعی در گذشته مورد استعمار، تجاوز و سوءاستفاده قدرت‌های خارجی قرار گرفته است. با وجود چنین سابقه تاریخی نمی‌توان انتظار داشت ایران و ایرانیان رویکرد مثبتی نسبت به غرب داشته و به تعامل و همکاری با آن بپردازند، به‌ویژه آنکه دشمنی‌های غرب و به‌ویژه ایالات متحده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه یافته و همچنان با قدرت و شدت دنبال می‌شود. وجود این سوابق تاریخی باعث شده است حس قربانی بودن و در معرض تهدید قرار داشتن همچنان در مردم و دولتمردان ایرانی زنده باشد و این باور را تقویت کند که ایران باید به هر قیمتی از خود دفاع کند (Perthes, 2012: 97).

این گروه همچنین بر این باورند که ایران در صدد ایجاد ناامنی منطقه‌ای نبوده و قدرتی توسعه‌طلب نیز نمی‌باشد، بلکه قدرتی در حال رشد است که می‌خواهد در منطقه خاورمیانه کشوری محوری و دارای جایگاهی متناسب با ظرفیت‌های خود باشد (Nasr and Takeyh, 2008: 85-94).

۳-۱. نگاه سوم: ایران به عنوان سرزمین فرصت‌های اقتصادی

ایران به‌عنوان کشوری در حال توسعه و بهره‌مند از منابع طبیعی به‌ویژه منابع نفت و گاز، شریک تجاری مهمی برای کشورهای اروپایی محسوب می‌گردد که هم جهت تأمین

1. Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, And Divestment Act of 2010 (CISADA), Public Law 111-195, 1 July 2010, Available at:

<http://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/Documents/hr2194.pdf>

2. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012, Public Law 112-158,

3. Jan 2012, Available at:

http://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/Documents/hr_1905_pl_112_158.pdf

انرژی و فرآورده‌های نفتی مورد نیاز کشورهای مذکور اهمیت دارد و هم برای واردات ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی از این کشورها دارای تمایل و منابع مالی کافی می‌باشد. جالب توجه است که در سال ۲۰۱۰ اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران بوده و ایران ششمین تأمین‌کننده بزرگ انرژی اتحادیه اروپا محسوب می‌شده است. روابط تجاری دو طرف به‌گونه‌ای است که ایران در این سال، ۱۴/۵ میلیارد دلار صادرات به کشورهای عضو اتحادیه اروپا داشته و ۱۱/۳ میلیارد دلار واردات از این کشورها انجام داده است. شایان ذکر است ۹۰ درصد صادرات ایران به این کشورها نفت خام و فرآورده‌های نفتی و عمده واردات ایران از آن‌ها ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی بوده است (Council of the European Union, 2012: 3). هر چند به دلیل وضع تحریم‌های گسترده مالی و بانکی، میزان مراودات مالی دو طرف به شدت کاهش یافته است. اما در سال ۲۰۱۱ هنوز ایران در جایگاه بیست‌وسومین صادرکننده بزرگ به اتحادیه اروپا و سی‌امین واردکننده بزرگ از اتحادیه اروپا قرار داشته است (European Commission, 2012: 10). اگر چه ایران از نظر اقتصادی فرصت‌ها و جذابیت‌های زیادی برای غرب دارد، اما وضع تحریم‌های گسترده در موضوع پرونده هسته‌ای باعث شده است امکان استفاده از این فرصت‌ها کمتر شده و هر دو طرف از این بابت متضرر شوند. شورای اتحادیه اروپا^۱ تحریم‌هایی را از جانب کشورهای عضو اتحادیه اروپا علیه ایران وضع کرده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تصویب‌نامه این شورا به تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ اشاره کرد که طبق بند ۸ آن فروش هرگونه تجهیزات مورد نیاز صنایع نفت و پتروشیمی به ایران و براساس بند ۹ آن واردات نفت خام و محصولات پتروشیمی از ایران برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا ممنوع اعلام شده است (Official Journal of the EU, Jan 2012, 9-22). همچنین شورای اتحادیه اروپا در اکتبر ۲۰۱۲ تحریم‌های بیشتری را علیه ایران وضع نمود که بر اساس آن خرید، واردات و حمل و نقل گاز طبیعی نیز از ایران برای کشورهای عضو اتحادیه ممنوع می‌باشد (Official Journal of the EU, Oct 2012, 282-58).

۴-۱. نگاه چهارم: تهدید ناشی از بنیادگرایی مذهبی رهبران ایران

پژوهش‌گران غربی در مقابله با گفتمان ضدسلطه و عدالت‌محور انقلاب اسلامی بر این باورند که بنیادگرایی مذهبی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: بنیادگرایی جهان‌گريزانه^۲

1. The Council of the European Union
2. World Fleeing Fundamentalism

و بنیادگرایی سلطه‌جویانه^۱. در گونه جهان‌گریز، بنیادگرایان می‌کوشند با انزواطلبی از جهان جامعه‌ای ایده‌آل برای خود بسازند و در گونه سلطه‌جویانه بنیادگرایان در تلاشند تا ایده خود را به هر شکل ممکن به مبنای نظم جهانی مبدل سازند.

بنیادگرایی سلطه‌جویانه خود به دو دسته اصلاح‌طلب^۲ و انقلابی^۳ قابل تقسیم است که در گونه اصلاح‌طلب نهادهای سیاسی محترم شمرده شده و در چارچوب قوانین و مقررات موجود برای دستیابی به هدف تلاش می‌شود و در گونه انقلابی، تمامی نهادهای سیاسی، قوانین و مقررات جاری غیرمشروع تلقی شده و برای جایگزینی آن با نظامی جدید از طریق کسب قدرت تلاش می‌شود که در این راستا توسل به خشونت نیز یکی از ابزارهاست (Riesebrodt, 1993:6-22).

در نگاه غرب جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای فقه شیعه پایه‌گذاری شده است در ذات خود انقلابی است، زیرا از طریق یک انقلاب اسلامی و با هدایت یک رهبر مذهبی به پیروزی رسیده است و گفتمان عدالت‌محور آن در جهان اسلام با استقبال مواجه شده و نظام‌ها و هنجارهای تنظیم‌شده توسط غرب را به چالش کشیده است. از این‌رو، رهبران آن متمایل به بنیادگرایی سلطه‌جویانه انقلابی هستند و لذا ممکن است برای دستیابی به اهداف خود از خشونت و ابزارهای نظامی نیز استفاده کنند.

سخنان امام خمینی (ره) در خصوص لزوم از بین رفتن رژیم صهیونیستی و یا ملقب کردن آمریکا به شیطان بزرگ و شعارهای انقلابی دهه نخست پیروزی انقلاب از مهم‌ترین دلایل این گروه از متفکران غربی برای تهدیدپنداری بنیادگرایی مذهبی در رهبران ایران است. در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد و با توجه به اظهارات رسانه‌ای ایشان در خصوص محکوم بودن اسرائیل به نابودی، گسترش نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی و بروز موج بیداری اسلامی در منطقه و تشدید چالش هسته‌ای با غرب موجب شد این نوع پندار از تهدید در تصمیم‌گیران غربی تا حد زیادی تقویت گردد.

۵-۱. نگاه پنجم: ایران به عنوان تهدیدی برای امنیت عرضه پایدار انرژی

بدیهی است که قیمت نفت نیز مانند سایر کالاها از عامل عرضه و تقاضا اثر می‌پذیرد و چنانچه هر گونه اختلالی در روند عرضه صورت پذیرد وجود تقاضای ثابت موجب ایجاد تغییرات فاحش در قیمت نفت شده که از آن تحت عنوان شوک نفتی یاد می‌شود. مطالعات علمی بسیاری در خصوص میزان اثرگذاری افزایش قیمت نفت در اقتصاد

1. World Mastering Fundamentalism
2. Reformist
3. Revolutionary

جهانی صورت پذیرفته است که همگی آن‌ها حکایت از این دارند که افزایش یکباره قیمت نفت می‌تواند به اقتصاد جهانی آسیب جدی وارد سازد. به‌عنوان مثال، بانک مرکزی اتحادیه اروپا^۱ پژوهشی را درخصوص میزان اثرگذاری قیمت نفت بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای مختلف انجام داده است و گزارش آن را تحت عنوان شوک‌های قیمت نفت و رشد واقعی تولید ناخالص داخلی^۲ منتشر ساخته است. در بخشی از این گزارش تأثیر افزایش قیمت نفت بر اقتصاد کشورهای واردکننده عمده نفت بررسی شده و نتیجه حاصله حکایت از آن دارد که افزایش شوک‌گونه قیمت نفت در تمامی اقتصادهای مذکور اثرات منفی قابل ملاحظه‌ای بر اقتصاد این کشورها داشته و موجب کاهش ملموس در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی آن‌ها شده است (Jiménez-Rodríguez & Sánchez, 2004: 19).

منطقه خاورمیانه ۷۰ درصد نیاز جهان به انرژی و سوخت‌های فسیلی را تأمین می‌نماید و برآوردها حاکی از آن است که ۹۰ درصد نفت صادراتی خلیج فارس (حدود ۳۵ درصد از کل نفت صادراتی جهان که از طریق دریاها به مقصد حمل می‌شوند) از تنگه هرمز می‌گذرد؛ در سال ۲۰۱۱ روزانه ۱۷ میلیون بشکه نفت خام (معادل بیست درصد از کل نفت تولیدی جهان) از تنگه‌هرمز صادر شده است که این واقعیت آن را به مهم‌ترین آبراه در سراسر جهان تبدیل کرده است. شایان ذکر است کانال سوئز که پس از تنگه هرمز دومین آبراه مواصلاتی نفتی جهان محسوب می‌شود در سال ۲۰۱۱ روزانه تنها ۳/۸ میلیون بشکه نفت را از خود عبور داده است که با میزان نفت عبوری از تنگه هرمز تفاوت فاحشی دارد. همچنین قطر سالانه ۲ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی مایع^۳ از طریق تنگه هرمز صادر می‌کند که معادل ۲۰ درصد کل تولید سالانه جهانی این محصول می‌باشد (U.S. Energy Information Administration, 2012: 2). مسیرهای جایگزین صادراتی منطقه برای تنگه هرمز شامل چند خط لوله از جمله خط لوله کرکوک - جیهان^۴ (عراق به ترکیه) با ظرفیت عملیاتی ۴۰۰ هزار بشکه در روز، خط لوله پترولاین^۵ عربستان متشکل از دو خط لوله با ظرفیت عملیاتی ۳ میلیون بشکه در روز و خط لوله نفت خام ابوظبی^۶ در امارات با ظرفیت عملیاتی ۱/۵ میلیون بشکه در روز می‌باشد که حتی با افزایش ظرفیت نیز قادر به جایگزینی کامل تنگه هرمز نخواهند

1. European Central Bank
2. Oil Price Shocks and Real GDP Growth
3. Liquefied Natural Gas (LNG)
4. Kirkuk-Ceyhan Pipeline
5. Petroline
6. Abu Dhabi Crude Oil Pipeline

بود (U.S. Energy Information Administration, 2012: 3). شایان ذکر است خط لوله عراق به ترکیه همواره با حملات تروریستی و اقدامات خرابکارانه روبروست و مشکلات زیادی را برای دو کشور به همراه داشته است.

با توجه به موارد فوق بدیهی است تأمین امنیت پایدار منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز برای اقتصاد جهانی اهمیت بسیار زیادی دارد؛ بسیاری از پژوهش‌گران معتقدند بر هم خوردن امنیت تنگه هرمز و یا بسته شدن احتمالی آن از سوی ایران بزرگ‌ترین کابوسی است که امنیت انرژی در سطح جهانی می‌تواند به خود ببیند (Deutch & Schlesinger, 2006: 23, 68).

برای تصور کردن میزان تأثیر درگیری احتمالی در منطقه و بسته شدن این آبراه بر قیمت جهانی نفت، کافی است به خاطر بیاوریم در زمان حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ و توقف موقتی صادرات نفت دو کشور، قیمت نفت صرفاً به خاطر نگرانی از کمبود احتمالی آتی، حدوداً دو برابر افزایش یافت و تا یکسال پس از عادی شدن وضعیت، قیمت‌ها به سطح قبلی بازنگشتند (Parra, 2004: 305 - 306).

باید توجه داشت که در بازه زمانی آگوست تا اکتبر سال ۱۹۹۰ و در اثر حمله عراق به کویت و کاهش تنها ۲/۹ درصدی عرضه، قیمت نفت خام ۷۱/۶ درصد افزایش یافت (Hamilton, 2009: 223). بر این اساس، آشکار است که بسته شدن تنگه هرمز و در پی آن کاهش عرضه نفت به میزان ۲۰ درصد، اثراتی به مراتب شدیدتر و مانا تر از حمله عراق به کویت برجای خواهد گذارد.

تسلط نظامی ایران بر تنگه هرمز موجب می‌شود غرب همواره نگران آن باشد که در نتیجه افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی و بویژه در یک درگیری نظامی، ایران از بستن این شاهراه به عنوان اقدامی تلافی‌جویانه بهره‌گیرد (Hunter, 2010: 129). اقدامی که تهدیدی جدی برای اقتصاد جهانی و غرب تلقی شده و می‌تواند آثار فاجعه‌آمیزی در اقتصاد بین‌المللی برجای بگذارد.

۱-۶. نگاه ششم: ایران به عنوان تهدیدی فرصت‌آفرین

ایالات متحده از قرار دادن ایران در جایگاه تهدیدی منطقه‌ای در خلیج فارس و خاورمیانه فرصت‌ها و منافع اقتصادی و سیاسی بسیاری نصیب خود ساخته است، به‌ویژه در حوزه خلیج فارس با تبلیغات منفی و استفاده از زمینه‌های موجود اختلاف میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و ایران کوشیده است ایران‌هراسی را در میان این کشورها تا جای ممکن تقویت کرده و از این منظر ضمن توجیه استقرار پایگاه‌های

نظامی متعدد در منطقه و به بهانه برقراری توازن نظامی در منطقه بازار خوبی برای سلاح‌های تولیدی خود در میان این کشورها دست و پا کند.

قابل توجه است که ایالات متحده در سال ۲۰۱۱ با امضای توافق‌نامه‌های فروش تسلیحات به ارزش ۶۶/۳ میلیارد دلار در جایگاه بزرگ‌ترین صادرکننده تسلیحات نظامی جهان قرار گرفته است. طبق گزارش رسمی منتشر شده توسط کنگره ایالات متحده، این میزان فروش اسلحه در تاریخ ایالات متحده بی‌سابقه بوده و نسبت به سال ۲۰۱۰ (که طی آن ۲۱/۴ میلیارد دلار تسلیحات به فروش رسانده است) رشد بیش از ۳۰۰ درصدی نشان می‌دهد (3: Grimmett & Kerr, 2012).

عمده‌ترین خریدار تسلیحات آمریکایی در سال‌های اخیر عربستان سعودی بوده و امارات عربی متحده نیز پس از هند در جایگاه سومین واردکننده بزرگ تسلیحات آمریکایی قرار دارد، به نحوی که در دوره زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ عربستان سعودی ۵۲/۱ میلیارد دلار و امارات عربی متحده ۱۷/۲ میلیارد دلار انواع تسلیحات خریداری کرده‌اند. بخش عمده این واردات (۵۹/۹ میلیارد دلار معادل ۸۶ درصد) از ایالات متحده و (۶/۹ میلیارد دلار معادل حدود ۱۰ درصد) از کشورهای اروپای غربی (آلمان، ایتالیا، بریتانیا و فرانسه) صورت پذیرفته است (14: Grimmett & Kerr, 2012).

سایر کشورهای حوزه خلیج فارس شامل بحرین، عراق، عمان، قطر و کویت نیز در بازه زمانی یاد شده مجموعاً ۱۱/۳ میلیارد دلار تسلیحات وارد کرده‌اند که ۷/۹ میلیارد دلار (معادل ۷۰ درصد) آن از ایالات متحده و ۱/۳ میلیارد دلار (معادل ۱۱/۵ درصد) آن از کشورهای اروپای غربی خریداری شده است (Grimmett & Kerr, 2012: 45). آمار فوق نشان‌دهنده سلطه بلامنازع غرب بر بازار جذاب تسلیحاتی منطقه خاورمیانه و خلیج فارس می‌باشد که در سایه ایران‌هراسی روزبه‌روز بر جذابیت این بازار افزوده می‌شود.

در بخشی از این گزارش آمده است: "نگرانی‌ها درخصوص تهدید استراتژیک فزاینده ناشی از ایران به مبنای اصلی خرید تسلیحات پیشرفته توسط کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تبدیل شده است" (14: Grimmett & Kerr, 2012). ترکیب تسلیحات خریداری شده توسط اکثر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس (عضو شورای همکاری خلیج فارس) نیز شاهدهی بر این مدعاست که این تسلیحات با هدف مقابله با تهدیدهای احتمالی ایران خریداری می‌شوند، چرا که به‌دلیل عدم وجود مرز مشترک زمینی میان ایران و این کشورها، عمده تسلیحات خریداری شده توسط آن‌ها از نوع هوایی، دریایی و سامانه‌های موشکی بوده است.

۲. نگاه شرق به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که می‌دانیم سیاست نه‌شرقی، نه‌غربی که در بدو پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شد مربوط به دوره‌ای است که روابط بین‌الملل تحت تأثیر نظام دو قطبی و رویارویی دو بلوک شرق و غرب قرار داشت که در یک سوی آن ابر قدرت شوروی و در سوی دیگر ایالات متحده نقش‌آفرینی می‌کردند. به‌نظر می‌رسد با خاتمه یافتن جنگ سرد و فروپاشی شوروی، مفهوم شرق نیز در نظام معنایی روابط بین‌الملل دچار تغییراتی شده باشد، لذا مراد از شرق در این بخش نه معنای سنتی آن بلکه معنای واقعی مبتنی بر شرایط فعلی نظام بین‌الملل است. به‌طور مختصر در حوزه شرق دو بازیگر عمده یعنی روسیه و چین مد نظر نگارنده قرار داشته‌اند که با توجه به واقعیات عینی نمی‌توان آن‌ها را در نقطه مقابل غرب پنداشت، زیرا نقش‌ها و جایگاه‌ها در روابط بین‌الملل از نظام سنتی دو قطبی شرقی-غربی به نظام شبکه‌ای تغییر ماهیت داده است. با این توضیح به بررسی دیدگاه‌های دو کشور مطرح در حوزه شرق در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

۲-۱. نگاه اول: ایران به مثابه ابزاری برای امتیازگیری (معامله دائمی بر سر ایران)

روسیه و چین اگر چه دارای منافع اقتصادی و سیاسی بسیاری در برقراری رابطه با ایران هستند اما رفتار این دو کشور در مسائل مختلف بین‌المللی و به‌ویژه در قضیه پرونده هسته‌ای ایران نشان از آن دارد که از ایران تنها به عنوان مهره‌ای برای چانه‌زنی با غرب و امتیازگیری بهره برده‌اند. در واقع همان‌طور که بسیاری از پژوهش‌گران اذعان دارند "رهبران روسیه سیاست‌های ضدآمریکایی تهران را راهی مفید برای تعدیل نفوذ سیاسی ایالات متحده در منطقه می‌دانند و در عین حال سیاست‌های روسیه در خصوص برنامه هسته‌ای ایران نشان از آن دارد که از ایران به‌عنوان مهره‌ای برای چانه‌زنی با واشنگتن و کسب امتیازات در دیگر عرصه‌ها استفاده می‌کنند" (Flanagan, 2013: 172). رأی‌های متعدد روسیه علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد در پرونده هسته‌ای، ایجاد تأخیرهای پی در پی در راه‌اندازی نیروگاه هسته‌ای بوشهر و نیز لغو فروش سیستم دفاع موشکی اس-۳۰۰ از مواردی هستند که نشان از این جهت‌گیری روسیه در قبال ایران دارند.

در سوی دیگر، چین با این که از واردکنندگان عمده نفت خام ایران بوده و بخش قابل توجهی از نیازهای انرژی خود را از ایران تأمین می‌کند اما در برابر ایران رفتاری دوگانه از خود نشان می‌دهد. در واقع این کشور نیز بر اساس منافع خود گاه از ایران حمایت کرده و گاه از پشت پا زدن به ایران سود می‌برد. طبق آنچه پژوهش‌گران چینی

می‌گویند " پنج ملاحظه اصلی نگرش چین را به موضوع هسته‌ای ایران شکل می‌دهند: احترام به حق ایران برای بهره‌مندی از مصارف صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای، احترام به رژیم منع گسترش تسلیحات هسته‌ای، برقراری پیوندهای اقتصادی با ایران به‌ویژه با هدف تأمین نیاز خود به منابع انرژی فسیلی، حفظ روابط با ایالات متحده و بهبود تصویر چین در نگاه جهانیان " (Shen, 2006: 56). به نظر می‌رسد چهارمین ملاحظه یعنی حفظ روابط با ایالات متحده در نگاه رهبران چین نسبت به سایر ملاحظات اولویت و اهمیت بیشتری دارد. هرچند همراهی با ایالات متحده، منافع غیرمستقیمی نیز برای چین به همراه داشته است؛ از جمله این که تحریم‌های وضع شده توسط شورای امنیت سازمان ملل که رأی مثبت چین و روسیه را به همراه داشته‌اند موجب قطع مراودات مالی ایران و سایر کشورها شده و فروش نفت را برای ایران بسیار دشوار ساخته است و شرکت‌های چینی از این شرایط سوءاستفاده کرده و خواستار خرید نفت ایران با قیمت‌های پایین‌تر از قیمت جهانی می‌باشند (Lakshmanan & Ratnam, 2012: 2). از سوی دیگر با قطع مراودات بازرگانی ایران و غرب، شرکت‌های ایرانی ناچار هستند به منظور تأمین ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی مورد نیاز خود به چین روی آورند که خود بازاری بسیار گسترده و پرسود را پیش روی چین گشوده است.

برخی از تحلیل‌گران چینی وجود درگیری و اختلاف میان ایالات متحده و ایران را به سود چین می‌دانند زیرا نتیجه نهایی آن آمریکایی است که در اثر وجود این درگیری تضعیف شده و توانایی مقابله با قدرت رو به افزایش چین در آسیا را ندارد و بدین ترتیب مسیر برای ظهور چین به عنوان یک ابرقدرت تمام عیار هموار می‌شود. حمایت کج‌دار و مریز چین از ایران در خلال این درگیری می‌تواند در راستای عدم گرایش ایران به سوی غرب و جذب ایران به سوی همکاری با چین مفید واقع شده و ضمن تأمین منافع اقتصادی برای چین، از میزان نفوذ سیاسی ایالات متحده در منطقه بسیار مهم خاورمیانه بکاهد (Harold & Nader, 2012: 20).

نکته‌ای که در این میان باید بدان توجه داشت این است که تمام بازیگران در عرصه بین‌المللی بر اساس اصل مهم "منافع ملی" اتخاذ تصمیم کرده و دست به کنش و واکنش می‌زنند و بخش مهمی از این منافع را منافع تجاری و اقتصادی تشکیل می‌دهند. رفتار چین و روسیه در بازی ایران و ایالات متحده را نیز می‌توان از همین منظر نگریست. به دلیل حجم کم مبادلات تجاری و اقتصادی ایران و این دو کشور (در مقایسه با حجم تجارت سالیانه آن‌ها با ایالات متحده)، نمی‌توان انتظار داشت که سیاست‌های آن‌ها کاملاً مستقل و بدون در نظر گرفتن خواست‌های شریک اقتصادی بزرگ‌تر یعنی ایالات متحده صورت پذیرد.

در حالی که کل حجم مبادلات تجاری و مالی ایران و روسیه در سال ۲۰۱۰ تنها ۳/۵ میلیارد دلار بوده است (Flanagan, 2013: 173) و آن هم در سال بعد به دلیل گسترش تحریم‌های بین‌المللی به شدت کاسته شده است، طبق آمار رسمی منتشر شده توسط اداره آمار ایالات متحده،^۱ حجم مبادلات روسیه و آمریکا در همین سال ۳۱/۷ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۱ به ۴۲/۹ میلیارد دلار افزایش یافته است. شایان ذکر است در سال ۲۰۱۰ روسیه بیش از ۲۵/۶ میلیارد دلار صادرات به آمریکا داشته و تنها ۶ میلیارد دلار واردات از این کشور صورت داده است و لذا تراز تجاری میان این دو کشور به نفع روسیه مثبت است (U.S. Department of Commerce, 2012: 1).

همچنین اگرچه در خصوص مبادلات تجاری ایران و چین آمار رسمی دقیق در دست نمی‌باشد، اما به گفته احمدی‌نژاد در دیدار با "وو بانگ‌گو" رئیس کمیته دائمی کنگره ملی نمایندگان خلق چین، حجم کل مبادلات دو کشور در سال ۲۰۱۲ در حدود ۴۵ میلیارد دلار بوده (Farsnews, 2012: 1). در همین سال حجم کل مبادلات چین و ایالات متحده افزون بر ۴۹۱ میلیارد دلار بوده است که ۳۹۰ میلیارد دلار آن را صادرات چین به ایالات متحده شامل می‌شود (U.S. Department of commerce, 2012: 2). بدیهی است ایالات متحده به‌عنوان شریک تجاری عمده این کشورها که سالیانه واردات زیادی از آنها صورت می‌دهد توان چانه‌زنی و تحمیل خواسته‌های خود به این کشورها دارد.

۲-۲. نگاه دوم: ایران به‌عنوان دیوار حائل میان هژمونی آمریکا در منطقه و منافع شرق

ایران با به کار بستن سیاست‌های ضدآمریکایی در سه دهه اخیر به سدی محکم در برابر نفوذ و اقتدار سیاسی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه تبدیل شده است. از یک طرف روسیه که شاهد گسترش دامنه حضور ناتو تا ترکیه و گرجستان می‌باشد، از وجود چنین سد محکمی میان حضور نظامی و سیاسی پررنگ ایالات متحده در کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس و دریای خزر سود می‌برد. از سوی دیگر، چین نیز که درصدد مطرح ساختن خود به‌عنوان ابرقدرتی اصلی در نظام بین‌الملل است حضور ایران را فرصتی مغتنم می‌شمارد چرا که اولاً در منطقه‌ای ژئواستراتژیک که یکی از گلوگاه‌های اصلی تولید و عرضه انرژی در جهان است و اکثریت قریب به اتفاق کشورهای این منطقه وابسته به ایالات متحده و متحد غرب هستند، حضور ایران

1. United States Census Bureau

ضدآمریکایی می‌تواند برای سلطه بلامنازع ایالات متحده چالشی جدی محسوب شده و ثانیاً انرژی و توان ایالات متحده را مصروف خود داشته و توجه رهبران آمریکا را از جدی‌ترین رقیب خود یعنی چین منحرف سازد.

از این منظر، چین ایران را "حصاری محکم در برابر دشمنی‌های ایالات متحده می‌بیند" (Garver, 2007:96). باید توجه داشت که رهبران چین اگر چه راه همکاری با غرب را برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای و اقتصادی خود در پیش گرفته‌اند، اما حس آمریکاستیزی در عرصه‌های کلان سیاست جهانی در آنها همچنان وجود دارد. به عنوان مثال، نخست‌وزیر چین لی پنگ^۱ در سال ۱۹۹۱ در خلال سفر به تهران ابراز داشت: "ما مخالف سلطه ایالات متحده یا یک اقلیت بر دنیا هستیم و همچنین مخالف ایجاد نظامی نوین در جهان توسط ایالات متحده می‌باشیم و در این راستا کاملاً با جمهوری اسلامی ایران توافق داریم" (Garver, 2007: 107). این رویکرد توسط هوجینتاو^۲ رئیس‌جمهور چین در نشست سران سازمان همکاری‌های شانگهای^۳ در سال ۲۰۰۹ به نحوی ملایم‌تر مجدداً مورد تأکید قرار گرفت. وی در این نشست ابراز داشت: "تهران و پکن باید برای مدیریت تحولات جهانی به نفع ملت‌های خود به یکدیگر یاری رسانند، در غیر این صورت همان کسانی که عوامل اصلی مشکلات جاری بین‌المللی هستند مجدداً بر جهان مسلط خواهند شد" (Iranian Students News Agency, 2009: 1).

۳-۲. نگاه سوم: ایران به مثابه فرصتی جذاب برای سوءاستفاده اقتصادی

دو کشور مورد بررسی در حوزه شرق از وجود اختلاف‌های جاری میان ایران و کشورهای غربی حداکثر سوءاستفاده اقتصادی را برده و می‌برند. با توجه به این که ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تحت تحریم‌های غرب قرار داشته و در سال‌های اخیر نیز بر شدت و گستردگی این تحریم‌ها افزوده شده است، روسیه و چین از طرفی در رأی‌گیری‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد به قطعنامه‌های متعدد صادر شده علیه ایران رأی مثبت داده‌اند و از طرف دیگر می‌کوشند تا جای خالی غرب را در اقتصاد ایران در شرایطی یک‌سویه پر کنند. نمونه بارز این رویکرد روسیه و چین را می‌توان در تأخیرهای پیاپی در راه‌اندازی نیروگاه اتمی بوشهر و هزینه بالای آن و مسئله خرید نفت توسط شرکت‌های چینی از ایران مشاهده کرد.

1. Li Peng

2. Hu Jintao

3. Shanghai Cooperation Organization (SCO)

۳. نگاه اعراب به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

ایران در همسایگی برخی از کشورهای مهم عربی مانند عربستان سعودی و عراق قرار دارد و با توجه به قرار گرفتن در منطقه مشترک، رفتار هر یک از این همسایگان بر سرنوشت دیگری تأثیر می‌گذارد. به‌رغم وجود مؤلفه‌های مشترک و قوی فرهنگی مانند دین اسلام که به‌کلی فاقد رویکرد نژادی است و باید تقویت‌کننده روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز ایران و اعراب باشد، وجود عوامل سیاسی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجب شده است این روابط به سردی گرائیده و برخی نظام‌های حکومتی عرب، ایران را دشمن خود تلقی کنند. از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به ترویج ایران‌هراسی به بهانه اختلافات قومی (عرب و عجم)، ترغیب به شیعه‌هراسی به بهانه اختلافات فرقه‌ای (شیعه و سنی)، اختلافات سرزمینی (با بهانه قرار دادن موضوع جزایر سه‌گانه) و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ترویج ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی اشاره کرد.

باید توجه داشت در زمان پیروزی انقلاب در ایران حکومت‌های عربی منطقه که همگی استبدادی بوده و ساختاری مشابه با رژیم قبلی حاکم بر ایران داشتند و حامیان فرامنطقه‌ای آن‌ها از ترویج فرهنگ و گفتمان استقلال‌خواهی و عدالت‌طلبی انقلاب اسلامی، هراس جدی داشته و احساس خطر کردند و به‌همین خاطر از هیچ تلاشی برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی دریغ نوزیدند که نمونه بارز آن را می‌توان در حمایت همه‌جانبه مالی و نظامی آن‌ها از صدام در حمله به ایران مشاهده کرد. این رویکرد منفی نسبت به ایران اگر چه بیشتر مختص حکومت‌های عربی است اما کم و بیش در جوامع غربی نیز قابل مشاهده است.

شایان ذکر است، به‌رغم تبلیغات منفی گسترده علیه ایران در رسانه‌های غربی و عربی، در یک نظرسنجی که در سال ۲۰۱۲ در ۱۳ کشور عربی صورت پذیرفته، میان ایالات متحده به‌عنوان دومین و ایران به‌عنوان سومین تهدیدهای جهان عرب، فاصله زیادی وجود دارد، به‌طوری که ۵۱ درصد اسرائیل، ۲۲ درصد ایالات متحده و تنها ۵ درصد شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی ایران را تهدیدهای پیش‌روی جهان عرب دانسته‌اند اما به هر حال ایران در جایگاه سوم این فهرست قرار دارد (Arab Center for Research and Policy Studies, 2012: 81). به‌طور کلی می‌توان نگاه‌های مختلف اعراب نسبت به جمهوری اسلامی ایران را در موارد ذیل خلاصه کرد.

۳-۱. نگاه اول: ایران و تهدید ناشی از سلطه‌طلبی باستان‌گرایانه

سابقه تاریخی منطقه خاورمیانه همچنان در ذهن اعراب زنده است. از این رو حکام عرب همواره بیم دارند که قدرت گرفتن ایران موجب احیای وضعیت باستانی در منطقه

خاورمیانه شده و ایران مجدداً قدرت مسلط در منطقه باشد. این بیم در سخنان حکام عرب در موارد متعددی به چشم می‌خورد، اما یکی از گویاترین نمونه‌های این اظهارات توسط شیخ محمد بن‌زاید حاکم امارت ابوظبی در دیدار با معاون وزارت انرژی ایالات متحده دانیل پونمن^۱ در سال ۲۰۰۹ مطرح شده است که در این مقاله بدان اکتفا می‌کنیم. اظهارات شیخ زاید را می‌توان چکیده نگرانی‌های حکام عرب در خصوص ایران دانست. این اظهارات جزو اسناد طبقه‌بندی‌شده سفارت ایالات متحده در ابوظبی بوده است که توسط ویکی‌لیکس و گاردین منتشر شده است. شیخ‌زاید در این دیدار در خصوص نفوذ رو به گسترش ایران در منطقه هشدار داده و اظهار داشته است: "ایران کره شمالی نیست زیرا: ۱. ایران درصدد بازسازی امپراطوری پارسی در قرن ۲۱ است، ۲. ایران منابع کافی در اختیار داشته و همسایگانش از جمله امارات عربی متحده توان فشار وارد ساختن بر این کشور را ندارند، ۳. رهبری ایران تغییر نکرده و همچنان در دست همان کسانی است که در سال ۱۹۷۹ سفارت آمریکا را در تهران تصرف کردند، ۴. تهران خود را یک ابرقدرت می‌پندارد" (Olson, 2009: 2).

۲-۳. نگاه دوم: ایران به عنوان تهدیدی فرصت‌آفرین (جذب سرمایه‌های خارجی در میان راه)

ایران به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی، بهره‌مندی از منابع طبیعی، دارا بودن تنوع اقلیمی و آب و هوایی، دسترسی به منابع انرژی فراوان و ارزان و نیروی کار متخصص دارای ظرفیت‌های بسیاری برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در حوزه خلیج فارس می‌باشد، اما قرار گرفتن در نقطه مقابل منافع غرب به عنوان یک عامل سیاسی منفی و تحریم‌های پی‌درپی سیاسی و اقتصادی غرب علیه ایران موجب شده است این سرمایه‌گذاری‌ها در میان راه تغییر جهت داده توسط کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس جذب شوند. این عامل باعث شده جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۲ در اقتصاد ایران بسیار کمتر از ظرفیت‌ها و در سطحی به مراتب پایین‌تر از رقبای عرب خود باشد. آمار میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای منطقه خاورمیانه شاهدهی بر این مدعاست. در حالی که براساس گزارش سرمایه‌گذاری جهانی^۳ ۲۰۱۲ تا منتشرشده توسط کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد)^۴ از سال ۱۹۹۰ تا

1. Daniel Poneman

2. Foreign Direct Investment (FDI)

3. World Investment Report 2012

4. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

سال ۲۰۱۱ ایران توانسته است مجموعاً حدود ۳۲/۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کند، این میزان برای امارات عربی متحده ۸۵/۴ میلیارد دلار، برای بحرین ۱۵/۹ میلیارد دلار، برای عربستان سعودی ۱۸۶/۸ میلیارد دلار و برای قطر ۳۰/۴ میلیارد دلار بوده است (UNCTAD, 2012:174-5). این بدان معناست که ایران با وجود دارا بودن جمعیتی بیش از دو برابر مجموع جمعیت این کشورها، در حدود یک‌دهم آن‌ها سرمایه‌گذاری‌های خارجی منطقه را جذب اقتصاد خود کرده است. براساس این گزارش، در حالی که در سال ۲۰۰۸ شمار پروژه‌هایی که از صفر با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در حال اجرا بوده‌اند (پروژه‌های ایجاد) در امارات عربی متحده ۲۶۹ پروژه، در بحرین ۳۶ پروژه، در عربستان ۵۶ پروژه و در قطر ۴۹ پروژه بوده این تعداد برای ایران تنها ۹ پروژه بوده است (UNCTAD, 2012:194-5).

۳-۳. نگاه سوم: ایران و تهدید ناشی از هلال شیعی

پس از اشغال عراق توسط آمریکا، سران کشورهای عربی برای توجیه تشدید سیاست‌های مقابله‌جویانه خود نسبت به ایران این بهانه را ترویج نمودند که با از میان رفتن حزب بعث در عراق، اگر قدرت سیاسی در این کشور به دست شیعیان افتاده و دولت جدید عراق به سمت ایران گرایش یابد یک هلال شیعی متشکل از حکومت‌های مسلط شیعه از ایران آغاز شده و عراق، سوریه و لبنان را در بر خواهد گرفت که موجب برهم خوردن موازنه قوای موجود میان شیعه و سنی در منطقه می‌گردد. بدیهی است که ایران به‌عنوان مقتدرترین دولت شیعی سردمدار این حرکت بوده و جنبش‌های شیعی مهم این هلال مانند حزب‌الله لبنان و یا گروه‌های مبارز فلسطینی همسو مانند حماس نیز از جانب ایران حمایت می‌شوند. تهدید متصور ناشی از هلال شیعی برای حکام عرب که اکثراً دارای دولت‌های لائیک می‌باشند، بیش از آن که ناشی از اختلافات دیرینه شیعه‌سنی باشد، از این بابت است که اجزای هلال شیعی برای جوامع تحت سلطه این حکام از نظر سیاسی الهام‌بخش بوده و ممکن است موجب بروز چالش‌های داخلی جدی برای حکومت‌های استبدادی آن‌ها شوند. بسیاری از سیاست‌های ضدایرانی اعراب را می‌توان در قالب همین چارچوب تحلیل کرد.

۳-۴. نگاه چهارم: ایران و تهدید ناشی از سرایت یا صدور انقلاب اسلامی

با بررسی سوابق تاریخی انقلاب‌های گوناگون که در نقاط مختلف دنیا به پیروزی رسیده‌اند و به‌ویژه سلسله انقلاب‌های عربی که از سال ۲۰۱۰ آغاز شده و تاکنون در کشورهای تونس، مصر، لیبی و یمن به پیروزی رسیده و حکومت‌های استبدادی این

کشورها را سرنگون کرد، می‌توان دریافت در جوامعی که به لحاظ سیاسی، مذهبی، فرهنگی، زبانی، تاریخی و اقتصادی دارای اشتراکاتی با یکدیگر هستند بروز یک حرکت انقلابی در هر یک از این جوامع می‌تواند به طور خودکار و بدون داشتن کارگزار به دیگر جوامع نیز سرایت کرده و آن‌ها را در بر گیرد. این نظریه که آن را نظریه انقلاب‌های زنجیره‌ای می‌نامیم مبنای تهدیدپنداری ایران توسط برخی کشورهای عربی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بوده است. در واقع حکام عرب نگران آن بودند که انقلاب اسلامی ایران نقطه آغاز زنجیره‌ای از انقلاب‌ها شده و حکومت ایشان را دچار مخاطره سازد. سیاست "صدور انقلاب" که در نخستین سال‌های پیروزی انقلاب نیز مورد تأکید برخی از مقامات جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گرفت این پندار از تهدید را در میان اعراب تقویت می‌نمود. اکنون با بروز پدیده "بیداری اسلامی" و انقلاب‌های عربی کابوس رژیم‌های دست‌نشانده و خودکامه عرب به واقعیت نزدیک‌تر شده و به تبع آن تلاش‌های ضدایرانی آن‌ها و حامیان فرامنطقه‌ای ایشان نیز توسعه یافته است.

نتیجه‌گیری

با بررسی آنچه گفته شد می‌توان دریافت عمده تصاویر خلق شده درخصوص جمهوری اسلامی ایران در ذهن بازیگران مطرح در نظام بین‌الملل (که در سه دسته کلی غرب، شرق و اعراب دسته‌بندی شده‌اند) تهدیدگونه است و این نوع نگاه موجب ایجاد ذهنیت منفی در آنان نسبت به ایران بوده و در نتیجه، عمده کنش‌های آنان در قبال ایران کنش‌های تقابلی است. در چنین وضعیتی اعمال تحریم‌های پی در پی اقتصادی و سیاسی، مقابله آشکار و پنهان، تلاش برای منزوی ساختن ایران، تشدید ایران‌هراسی، تهدید نظامی و در بدترین حالت اجرایی کردن این تهدید گونه‌های اصلی کنش‌های تقابلی آن بازیگران در قبال جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. در راستای اتخاذ سیاست مناسب برای مواجهه با این اقدامات، جمهوری اسلامی ایران از شرکای قابل اطمینان (که بتواند روی حمایت و همراهی پایدار آن‌ها حساب کند) برخوردار نیست و لذا یا باید مسیر فعلی را که دارای جهت‌گیری کاملاً تقابلی است به تنهایی و صرفاً با اتکا به متحدان انقلابی و مردمی خود در کشورهای اسلامی و در حال توسعه طی کرده و هزینه‌های سنگین آن را پرداخت نماید و یا بر اساس آگاهی از نوع نگاه دیگر بازیگران به خود، نسبت به روز رسانی سیاست خارجی خویش اقدام ورزیده و در جهت تغییر این نوع نگاه‌ها بکوشد. بدیهی است تجربیات سه دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران و رویکردهای متفاوت دولت‌های منتخب که بعضاً تحت عنوان اصول‌گرا، عمل‌گرا، اصلاح‌طلب و... تلاش نموده‌اند سیاست خارجی متفاوتی را بروز دهند و پاسخ و واکنش

نظام سلطه و همسایگان عرب بیانگر این واقعیت است که حوزه عمل در سیاست خارجی یک خیابان دوطرفه است و نیاز به اراده تغییر و تعامل از سوی دو طرف دارد تا به نتیجه برسد.

منابع

1. Arab Center for Research and Policy Studies, *The Arab Opinion Project: The Arab Opinion Index*, Doha, March 2012
2. Deutch, John & Schlesinger, James R. (2006), *National Security Consequences of U.S. Oil Dependency*, Independent Task Force Report, No. 58, Washington, D.C.: Council on Foreign Relations.
3. European Commission (DG Trade Statistics), *Iran EU Bilateral Trade and Trade With the World*, 21 March 2012, Available at: http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2006/september/tradoc_113392.pdf
4. Flanagan, Stephen J. (Winter 2013), "The Turkey—Russia—Iran Nexus: Eurasian Power Dynamics," *Washington Quarterly*, Vol. 36, No.1.
5. Garver, John W. (2007), *China and Iran: Ancient Partners in a Post-Imperial World*, Seattle: University of Washington Press.
6. Grimmett, Richard F. & Kerr, Paul K., *Conventional Arms Transfers to Developing Nations (2004-2011)*, Washington D.C: United States Congress, Congressional Research Service (CRS), Aug 2012, Available at: <http://www.fas.org/spp/crs/weapons/R42678.pdf>
7. Hamilton, James D. (2009), *Causes and Consequences of the Oil Shock of 2007-08*, Brookings Papers on Economic Activity, California: University of San Diego.
8. Harold, Scott & Nader, Alireza, (2012), *China and Iran: Economic, Political and Military Relations*, California: RAND Corporation.
9. House Permanent Select Committee on Intelligence, *Recognizing Iran as a Strategic Threat: An Intelligence Challenge for the United States*, August 23, 2006, FAS, Intelligence Resource Program, available at: http://www.fas.org/irp/congress/2006_rpt
10. Hunter, Robert E. (2010), *Building Security in the Persian Gulf*, California: RAND Corporation.
11. International Crisis Group, (June 2, 2009), "U.S.-Iranian Engagement: The View From Tehran," *Middle East Briefing* No. 28.
- Iranian Students News Agency (17 June 2009), "Iran, China Calls For A Long-term Strategy To Expand Bilateral Ties".
<http://www.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1357500&Lang=E>.
12. Jiménez-Rodríguez, Rebeca & Sánchez, (May 2004), Marcelo, *Oil Price Shocks and Real GDP Growth (Empirical Evidence for Some OECD Countries)*, European Central Bank, Working Paper Series No. 362, Available at: <http://www.ecb.int/pub/pdf/scpwps/ecbwp362.pdf>
13. Lakshmanan, Indira A.R. & Ratnam, Gopal, (Jan 12, 2012), "China Gets Cheaper Iran Oil as U.S. Pays Tab for Hormuz Patrols," *Bloomberg*, available at:

<http://www.bloomberg.com/news/2012-01-12/china-gets-cheaper-iran-oil-as-u-s-pays-tab-for-hormuz-patrols.html>

14. Nasr, Vali & Takeyh, Ray, (January -February 2008), "The Costs of Containing Iran," *Foreign Affairs* Vol. 87, No. 1, pp. 85-94.

15. Negroponte, John D., Director of National Intelligence (), *Annual Threat Assessment (Unclassified Statement for the Record)*, Submitted to Senate Select Committee on Intelligence, 11 January 2007, page. 5. Available at: <http://intelligence.senate.gov/070111/negroponte.pdf>

16. Olson, Richard G. (Ambassador of United States), SUBJECT: ABU DHABI CROWN PRINCE WARNS DOE DEPSEC PONEMAN ABOUT IRAN, Abu Dhabi: U.S. Embassy in UAE, 17 December 2009, available at:

<http://www.guardian.co.uk/world/us-embassy-cables-documents/240364>

Parra, Francisco, *Oil Politics: A Modern History of Petroleum*, London: I.B. Tauris, 2004

17. Perthes, Volker, (June-July 2012), "Ambition and Fear: Iran's Foreign Policy and Nuclear Programme," *Survival* Vol. 52, No. 3.

18. Riesebrodt, Martin, (1993), *Pious Passion. The Emergence of Modern Fundamentalism in the United States and Iran*, Los Angeles: University of California Press.

19. Shen, Dingli, (Spring 2006), "Iran's Nuclear Ambitions Test China's Wisdom," *Washington Quarterly*, Vol. 29, No. 2.

20. The Council of the European Union, *COUNCIL DECISION 2012/35/CFSP of 23 January 2012 (amending Decision 2010/413/CFSP concerning restrictive measures against Iran)*, Official Journal of the European Union, 24 Jan 2012

21. The Council of the European Union, *COUNCIL DECISION 2012/635/CFSP of 15 October 2012 (amending Decision 2010/413/CFSP concerning restrictive measures against Iran)*, Official Journal of the European Union, 16 Oct 2012.

22. The Council of the European Union, *Fact Sheet: The European Union and Iran (5555/3/12 REV3)*, Brussels, 23 April 2012, p. 3.

23. UNCTAD, *World Investment Report 2012*, Geneva: United Nations Publications, 2012, Available at:

<http://www.unctad-docs.org/files/UNCTAD-WIR2012-Full-en.pdf>

24. U.S. Department of Commerce, United States Census Bureau, *Trade in Goods With Russia 1992-2012*,

<http://www.census.gov/foreign-trade/balance/c4621.html#2010>

25. U.S. Department of Commerce, United States Census Bureau, *Trade in Goods With China 1992-2012*,

<http://www.census.gov/foreign-trade/balance/c5700.html#2012>

26. U.S. Energy Information Administration, *World Oil Transit Chokepoints*, Washington, D.C.: U.S. Department of Energy, Aug 2012,

http://www.eia.gov/countries/analysisbriefs/World_Oil_Transit_Chokepoints/wotc.pdf